

بررسی کیفی ویژگیهای خودابرازگری در مادران نوجوانان بزهکار

سمیه کاظمیان^۱، ابراهیم نعیمی^۲

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۳

هدف: این پژوهش با هدف بررسی کیفی ویژگی خودابرازگری در مادران نوجوانان بزهکار انجام گرفته است. **روش:** شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش به روش نمونه‌گیری در دسترس صورت گرفت. به این ترتیب که با مادران نوجوانان بزهکار که به منظور دریافت آموزشهای سلامت روان‌شناختی به کلینیک راه بهتر مراجعه کرده بودند؛ مصاحبه به عمل آمد. برای بررسی ویژگی خودابرازگری از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. داده‌های حاصل از توصیف تعاملات زوجین به منظور شناسایی ویژگی خودابرازگری با استفاده از نظریه پدیدارشناختی مورد تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** آنچه که در بررسی ویژگی خودابرازگری در مادران نوجوانان بزهکار دیده شد، عبارت بودند از: الف - انفعال باتمرکز بر دیگر محوری (منافع دیگران) (مطیع، پذیرنده - پذیرش حرفهای دیگران - گریز از پاسخ - ایفای نقش قربانی) ب - پرخاشگری با تمرکز بر خودمحوری (انعطاف‌ناپذیری - بی‌مهری - بحث وجدل - وابستگی - رقابت به جای همکاری) ج - انفعال و تسلیم موقعیت و شرایط (ناامیدی - خود ناپاوری - مقصر قلمداد کردن دیگران - الگوگیری) د - انفعال و ابهام نقشهای والدینی (عدم قاطعیت - عدم نظارت - نظارت نا هماهنگ) - عدم اعتدال در تشویق رفتار جرأت‌مندانه (سهل‌انگاری - بی‌توجهی). **نتیجه‌گیری:** در سلامت روانی خانواده والدین نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. والدین باید بستری را فراهم کنند تا فرزندان‌شان در یک محیط آرام تربیت یابند تا بتوانند در آینده با همه افراد جامعه سازگار باشند. با آموزش ویژگی ابرازگری به والدین، می‌توان در ایجاد سلامت روان در نوجوانان و متعاقب آن سلامت جامعه تأثیر به‌سزایی گذاشت.

کلیدواژه‌ها: خودابرازگری، مادران، نوجوانان، بزهکار.

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی somaye.kazemian@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

ریشه بسیاری از نابهنجاریهای روانی و رفتاری بشر را باید در خانواده جستجو کرد و در عین حال بسیاری از پیشرفت‌های انسانها نیز از خانواده سرچشمه می‌گیرد (نظری، ۱۳۸۸). در واقع خانواده به عنوان اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزشها و باورها، و معیارهای فکری هر فرد شناخته شده است (کميجانی و ماهر، ۲۰۰۷). در میان عوامل تأثیرگذار بر سلامت روانی انسانها خانواده نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند (مینوچین، ۱۹۷۴، ترجمه ثنائی، ۱۳۸۳). در حال حاضر برآوردهای همه‌گیرشناختی نیز حاکی از آن است که خانواده نابهنجار عامل اصلی مشکلات عاطفی و رفتاری انسان است (دادز، ترجمه دهگانپور و محمدی، ۱۳۸۷).

به علاوه بسیاری از متخصصان تربیتی و روان‌شناسی، یکی از مهمترین نهادهای تأثیرگذار در رشد و تربیت انسان را خانواده می‌دانند. این سازمان اجتماعی اولین و بادوام‌ترین عامل در رشد و تکوین شخصیت افراد است و تأثیر چشمگیری در رشد جسمانی، عقلانی، عاطفی و اخلاقی آنها دارد. در حقیقت فرد در خانواده متولد می‌شود، در سازمان خانواده زندگی می‌کند، در موقع نیاز به خانواده روی می‌آورد و در پرتو خانواده سکون میابد. نتایج برخی از تحقیقات نیز حاکی از تأثیر محیط خانواده بر ویژگی‌های فرزندان است (کشتکاران، ۱۳۸۸؛ زارع و سامانی، ۱۳۸۷؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ پروسا و پروسا، ۲۰۰۱؛ هیگینز، بیلی، پیرس، ۲۰۰۵؛ مولیس، بریلسفورد و مولیس، ۲۰۰۳). مطلوبیت، رضایت، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده تأثیر بسیار زیادی در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای آن دارد.

در این میان نقش محوری پدر و مادر در شکل‌گیری این خصوصیات غیرقابل انکار است. اما چگونگی این تأثیرگذاری نیاز به پژوهش عمیق و گسترده پیرامون روابط والدین با یکدیگر و فرزندانشان دارد. پژوهش‌های مختلف تأثیرپذیری انواع رفتارهای فرزندان از تعاملات و ارتباطات میان پدر و مادر را صحنه گذاشته‌اند. روابط نامناسب والدین

موجب شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی نامناسب ناخواسته‌ای در نوجوانان می‌گردد که سهم عمده‌ای در چگونگی روابط آنان با دوستان و همسالانشان و به‌طورکلی نحوه پاسخ‌های آنان به موقعیت‌های مختلف اجتماعی خواهد داشت. از میان انواع متعدد روابط انسانی مؤثر در رشد و تکامل فرزند، شخصیت مادر اهمیت اساسی دارد و چگونگی نگرش‌ها و گرایش‌های مادر نسبت به امر بچه‌دار شدن، همسر و سایر اعضای خانواده، هم‌چنین نسبت به زندگی اجتماعی، نقش خود به‌عنوان مادر، مهم‌تر از همه، گرایش‌های او نسبت به فرزند خود و درک نیازهای او با محبت خاص مادری و پذیرش و کنترل فرزند بسیار اساسی است، زیرا مستقیماً روی فرزند اثر می‌گذارد و غالباً در طول حیات با او همراه است. از آنجاکه مادران وقت بیشتری را با فرزندان سپری می‌کنند و عواطف بیشتری نثار آنان می‌کنند، زمانی هم که با یکدیگر می‌گذرانند باعث اختلاف بیشترین آنان می‌شود. (هاریس، ۲۰۰۸). در صورتی که ارتباطات خانوادگی مشکل‌ساز باشد فرزندان شانس کمتری دارند که والدینشان را ملاقات کرده و پیشنهادها و راهنمایی‌های آن‌ها را دریافت کنند، همان‌طور که فرزندان رشد می‌کنند و بزرگ‌تر می‌شوند حمایت عاطفی و انضباطی از سوی خانواده نیز کم‌تر می‌شود و نوجوانان رفتارهای خود انضباطی را پرورش می‌دهند، نوجوانانی که حمایت عاطفی کم‌تری از سوی خانواده دریافت کرده‌اند به‌عنوان افرادی که سازگاری هیجانی کمتری دارند در نظر گرفته می‌شوند آن‌ها کسانی هستند که سازگاری هیجانی‌شان تحت تأثیر گروه همسالان و عوامل بیرونی قرار می‌گیرد (پلرون، اسپینلوا، سیدوتی، میسیچ، ۲۰۱۵).

تحقیقات از این ادعا حمایت می‌کنند که تعارض جزئی از روابط والدین - نوجوانان است (آلیسون و اسچولتز، ۲۰۰۴) در حقیقت با آغاز دوره بلوغ، نوجوانان و والدین در رابطه با یکدیگر، فاصله بیشتری را تجربه می‌کنند و این فرایند کناره‌گیری متقابل است. شواهد زیادی نیز نشان می‌دهد که عدم آمادگی والدین در کنار آمدن با تغییراتی که فرزندان در انتقال به دوره نوجوانی با آن روبه‌رو می‌شوند موجب بروز رفتار غیر محبت‌آمیز و سرد از سوی آن‌ها می‌شود، از طرفی یافته‌های اخیر عدم وجود عشق و محبت، حمایت،

پذیرش و گرمی از سوی خانواده را علت درگیری نوجوانان در رفتارهای مخاطره‌آمیز می‌دانند (دیشیخا و هانوت، ۲۰۱۱). نتایج تحقیقات همچنین نشان داده‌اند که ۸۰ درصد مشکلات نوجوانان نتیجه شیوه‌های انضباطی تند، فقدان پیوستگی و سازگاری خانوادگی و تعارض بین والدین و فرزندان است (دیشیخا و هانت، ۲۰۱۱). تجربه کمبود محبت از طرف والدین باعث ایجاد تصور منفی نسبت به خود، خانواده و والدین در فرزندان می‌شود (اکورودودو و نواماکا، ۲۰۱۱). نوجوانی دوره‌ای چالش‌برانگیز برای نوجوانان و والدینشان هست (کولی، وتروبا - درازل، اسپیندلر، ۲۰۰۹). لذا با توجه به مباحث مطرح شده، این سؤال برای پژوهشگر مطرح شد که ویژگی خودابرازگری در مادران نوجوانان بزهکار چگونه است؟

روش پژوهش

شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش به روش نمونه‌گیری در دسترس از میان مادران نوجوانان بزهکار صورت گرفت. به این ترتیب که با مادران نوجوانان بزهکار که به منظور دریافت آموزش‌های سلامت روان شناختی به کلینیک راه بهتر مراجعه کرده بودند و مایل به همکاری بودند، مصاحبه به عمل آمد.

برای بررسی ویژگی خودابرازگری از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در مطالعه حاضر سئوالات مصاحبه به گونه‌ای طراحی شد که رشته گفتگو در مصاحبه قطع نشود، اما به هنگام سرد شدن گفتگوی صحبت کردن درباره موضوعات بی‌حاصل، محقق گفتگوها را هدایت می‌کرد. مصاحبه‌گر (محقق)، موضوع مسئله محور مورد نظر خود را از طریق سئوالات هدایت شده مطرح می‌کرد تا موضوع تحقیق با دقت بیشتری روشن شود، در حالیکه به روش‌های خاص شرکت‌کنندگان، در بیان نقطه نظر ایشان حساس بود. سوال از دریافت‌ها و مواجهه ساختن مصاحبه‌شونده با تناقضات و ناسازگاری گفته‌هایش از طریق انعکاس آنچه گفته می‌شد، درک مصاحبه‌گر را نسبت به

مصاحبه شوندگان عمیق ترمی ساخت. با توجه به اینکه اجازه ضبط مصاحبه ها به پژوهشگر داده نشد؛ اقدام به ثبت اطلاعات کرده و بلافاصله پس از پایان مصاحبه، از برداشت هایش از ارتباط و از شخص مصاحبه شونده، از خود یا رفتارش در موقعیت، یادداشتی تهیه می شد و به این ترتیب اطلاعات زمینه‌ای که ممکن بود سودمند باشد ثبت می شد. این عمل بعدها به تفسیر جملات مصاحبه‌ها کمک کرد.

داده‌های حاصل از توصیف تعاملات زوجین به منظور شناسایی ویژگیهای خودابرازگری با استفاده از نظریه پدیدارشناختی مورد تحلیل قرار گرفت. در این شیوه محقق از طریق یک فرایند مقایسه‌ای مداوم به تحلیل داده‌ها پرداخت. این مقایسه در ابتدا در سطح کلمات و جملات بیان شده در متن مصاحبه‌ها صورت گرفت. سپس در طی فرایند کدگذاری باز، مفاهیم با هم یکی شده و تحت عنوان یک کد مستقل نام گذاری شده و در نهایت کدهای مشابه تشکیل مقوله را دادند و کدگذاری انتخابی انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

بررسی ویژگی خودابرازگری در مادران نوجوانان بزهکار

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	محتوا و عبارات مهم
مادران نوجوانان بزهکار در ابرازگری، منافع دیگران را در اولویت می‌گذارند.	انفعال با تمرکز بر دیگر محوری (منافع دیگران)	مطیع - پذیرنده	خیلی گذشت دارم. اخلاق بد دیگران را قبول می‌کنم. سعی می‌کنم بدیها را نبینم و تو خودم می‌ریزم من هیچ اراده‌ای ندارم و تسلیم محض هستم. از ترس خیلی ضعفها را دارم
		پذیرش حرفهای دیگران	ترس شدید دارم از اینکه جدا بشم و مستقل و بدون نظر دیگران زندگی کنم. همیشه فکر می‌کنم نمی‌توانم بدون پرسیدن و مشورت از دیگران سر کار بروم
		گریز از پاسخ	رک و راست بودن فقط باعث می‌شود دشمن هایت زیاد شود هر کسی حرف حق هم بزند، مشکلاتش بیشتر می‌شود. سکوت افراطی دارم و واقعیتها را نمی‌بینم. فکر می‌کنم اگر حرف بزمنم، رنجش بیشتر بوجود می‌آید
		ایفای نقش قربانی	جرت ندارم رو در رو بگم اما می‌تو دلم می‌ریزم و با خودم حرف می‌زنم. به خودم آسیب می‌زنم بجای حرف زدن؛ ترسو هستم و جرت پر خاشاگری را ندارم. به کتک خوردن عادت کردم سعی می‌کنم دیگران راحت تر باشند. دوست ندارم مزاحم برنامه‌های دیگران باشم

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	محتوا و عبارات مهم
مادران نوجوانان بزهکار در ایزدگزی، بیشتر متوجه ابراز خشم هستند و نه تجربه خشم	پرخاشگری با تمرکز بر خودمحوری	انعطاف ناپذیری	یه موقع هایی لازمه زبونم را ببندم ولی نمی توانم دوست دارم گاهی بخاطر دیگران روی خودم کنترل داشته باشم اما محاله اغلب با فامیل قهرم. من بخاطر عصبانیت هایم، بچه هایم را از خودم دور کردم. آخر همیشه هم هیچی نگی! یا باید حرف نزنم یا اگر میزنی درست و محکم شو بیزی.
		بی مهری	اگر نگویم، دق می کنم و ذهنم در فشار و آزار است. خیلی واضح و روشن انتقاد می کنم که البته گاهی پررویی است چون نباید مثلاً به پدر و مادرم هم بد و بیراه بگم. کلاً همه چیز زندگی من تحمیلی بود حتی بچه دار شدنم! همیشه دلم می خواست بچه ها را از خودم دور کنم. از بچگی عادت کرده بودم که با زور و صدای بلند، حرفم را به کرسی بنشانم.
		بحث و جدل	اصلاً آیم با آدمای ترسو و دورو تو یه جوب نمیره! سریع حرفم را می زنم اما هیچی تو دلم نیست. زود اعصابم به هم میریزه و داد و بیداد می کنم. اگر کسی بگه بالایی چشمم ابرو هست، می خوام خفه اش کنم.
		وابستگی	آنقدر به شوهرم گلاویز شدم تا او را برای خودم داشته باشم اما نتیجه اش ضعیف شدن خودم شد که حتی می ترسم سرکار بروم. خیلی مراقب بچه ام بودم و دلشوره می گرفتم. مدام سر به سرش می گذاشتم و زیاد چکش می کردم. من وابستگی ام را به بچه ام منتقل می کردم
		رقابت بجای همکاری	من حریف شوهرم می شوم. ما با هم دعوا و کتک کاری می کردیم و مثل خروس جنگی جلوی بچه ها می جنگیم. شوهرم مرا به خاطر اعتیاد پسرمان مقصر می داند و من او را و همش درگیریم.
مادران نوجوانان بزهکار در ایزدگزی در موقعیت، موضعی انفصالی دارند	انفعال و تسلیم موقعیت و شرایط	ناامیدی	- اگر حرف بزنم، وضع از این بدتر می شود و کار به جاهای باریک می رسد. من دیگر حوصله این کار را ندارم. دیگر دیر است و نمی شود. همه چیز از بین رفته. به علاوه از سن و سال من هم گذشته که بخوام تغییر کنم. پسر من به این بلا مبتلا شده و دیگر چه فایده ای ندارد
		خود ناپاوری	خجالتی بودن، اثری است و مگر می شود تغییر کرد. همیشه می گفتند از دیوار صدا در بیاد، از من صدا در نیامد؛ حالا مگر می شود تغییر کرد آدم بی ارضه ای هستم که فقط ناله می کند.
		مقصر قلمداد کردن دیگران	همیشه حسرت آدمای با جرئت را می خوردم. اما زندگی نداشت که بشم یکی از آنها. مدام به خانواده ام سرگرفت می زدم که چرا من اینجوری شدم
		الگوگیری	- پدر و مادرمون از بچگی تو سرم خونندن که زن باید نجیب و تابع همسر باشد - بهم اونقدر گفتند دختر حاضر جواب، دختر نیست و من این را درونی کردم.

مادران نوجوانان بزهکار در ابرازگری در نقشهای والدینی، ابهام نقش دارند.	انفعال و ابهام نقشهای والدینی	عدم قاطعیت	بدبختانه ما دو تاملون خجالتیم. با کسی کاری نداریم ولی همه سوارمون میشن حتی بچه هامون. بچه ها با ما بد کردند. ما واقعا کاری به کارشون نداشتیم اما اونا از خوبی ما سوء استفاده کردند. فقط می دونم بچه ها اصلا ما رو آدم حساب نمی کنند. حالا برای چی؟ نمی دونم! بگم نرو فلان جا! میگه بتوجه! اصلا نه گفتن بلد نبودیم. بچه ها هر چی از ما می خواستند بدون فکر بله می گفتیم! آزادی و آرامش بیش از حد به آنها دادیم.
		عدم نظارت (نظارت ناهماهنگ)	کاش شوهر مرد بود و خودش را کنار نمی کشید تا من هم پدر بشوم و هم مادر. همسر من در خونه خیلی زورگو هست و حرف، حرف خودش هست و من درست عکس او رفتار می کنم.
		عدم اعتدال در تشویق رفتار جرئتمندانه (سهل انگاری)	ما نه دست بزن داشتیم و نه اهل فحش! پسرمون هم از ما بدتر! او الان جرئت ندارد حتی با رفیقش حرف بزند. حق آزادی بیان خیلی به آنها دادم ولی غیرمشروع و کنترل نشده و چون حد و حدودش را بلد نبودم، از این ورافتادم.
		بی توجهی	اینقدر با هم دعوا کردیم که از پسرمون غافل شدیم و از دست رفت. ما بچه را ولش کردیم به امان خدا و دنبال مسائل خودمون بودیم.

بحث و نتیجه گیری

آنچه که در بررسی ویژگی خودابرازگری در مادران نوجوانان بزهکار دیده شد، عبارت بودند از: الف - انفعال با تمرکز بر دیگر محوری (منافع دیگران) (مطیع، پذیرنده - پذیرش حرفهای دیگران - گریز از پاسخ - ایفای نقش قربانی) ب- پر خاشاگری با تمرکز بر خود محوری (انعطاف ناپذیری - بی مهری - بحث وجدل - وابستگی - رقابت به جای همکاری) ج - انفعال و تسلیم موقعیت و شرایط (ناامیدی - خود ناباوری - مقصر قلمداد کردن دیگران - الگوگیری) د - انفعال و ابهام نقشهای والدینی (عدم قاطعیت - عدم نظارت (نظارت نا

هماهنگ) - عدم اعتدال در تشویق رفتار جراتمندانه (سهل‌انگاری) - بی‌توجهی).

انفعال با تمرکز بر دیگر محوری با (منافع دیگران) با زیرمجموعه‌های (مطیع، پذیرنده - پذیرش حرفه‌ای دیگران - گریز از پاسخ - ایفای نقش قربانی). یکی از یافته‌های پژوهش بود که با تعریف جونز (علی پور و همکاران، ۲۰۰۹) از رفتار غیر جراتمندانه همسواست. رفتار غیر جراتمندانه منفعل، مطیع و پذیرنده و منع شده است. فرد، چیزهایی را که برایش اتفاق افتاده را دوست ندارد، اما خود فرد امکان ادامه یافتن آنها را فراهم می‌کند. و فرد آرامش خود را به بهای انکار حقوق شخصی به دست می‌آورد. افرادی که خود ابرازی پایینی دارند، در باورها، احساسات، و عقایدشان حقی برای خود قائل نبوده و اصل شباهت احساسی خود با دیگران را رد می‌کنند. در پاسخ علیه رفتارهای نادرست دیگران نا توانند و نیز خواسته‌هایشان نسبت به دیگران را کم اهمیت می‌دانند. (صاحب، ۲۰۰۹). از یافته‌های دیگر پژوهش پرخاشگری با تمرکز بر خود محوری با زیرمجموعه‌های (انعطاف نا پذیری - بی‌مهری - بحث و جدل - وابستگی - رقابت به جای همکاری) بود. همانطور که اشاره شده است که "رفتارهای غیر جراتمندانه، باز دارنده، اجتنابی، انعطاف ناپذیر هستند و همبستگی مثبت بالایی با ترسها و هراسها و اضطراب و انواع پرخاشگری دارند. (کلیچگرد، ۲۰۱۴).

انفعال و تسلیم موقعیت و شرایط با زیرمجموعه‌های (ناامیدی - خود ناباوری - مقصر قلمداد کردن دیگران - الگوگیری) نیز از دیگر یافته‌های این پژوهش بود. افراد فاقد جرات مندی، خود را قربانی و تسلیم موقعیت و محیط می‌دانند و اغلب دچار ناامیدی، اضطراب و خشم درونی هستند. (راکس، ۱۹۹۱)

عامل اصلی دیگرانفعال و ابهام نقشهای والدینی با زیرمجموعه‌های (عدم قاطعیت - عدم نظارت (نظارت نا هماهنگ) - عدم اعتدال در تشویق رفتار جراتمندانه (سهل‌انگاری) - بی‌توجهی) بود که در مادران نوجوانان بزهکار مشاهده شد. ویژگی رفتاری منفعل، که در آن افراد، سهل‌گیری اعتنا یا به حد افراطی مساوات طلبند. والدین دارای این نوع رفتار اجازه می‌دهند که فرزندان هر کاری را که می‌خواهند، انجام دهند. (براگی و همکاران، ۲۰۱۵). از طرفی این عامل با نوعی از شیوه‌های فرزند پروری به نام فرزند پروری

سهل انگارانه همسواست. والدین سهل گیر، فرزندان خود را کنترل نمی کنند. واز آنان توقعی ندارند و در امور خانه نظم و ترتیبی ندارند و در تنبیه و پاداش دادن به فرزندان، اعتدال ندارند. در شیوه فرزند پروری سهل گیرانه، به تمایلات و خواسته های فرزندان بیش از اندازه اهمیت داده می شود (الیسون و شولتز، ۲۰۰۴).

منابع

- Alipur F, Sajadi H, Foruzan A, Nabavi H, khedmati E. he role of social support in reducing anxiety and depression in the elderly, *Iran Journal of Aging*, 2009; 11: 53-61. (Persian)
- 2. Saheb M, Rahimian M. A study of the satisfaction rate of elderly patients in general hospital affiliated with the Isfahan University of Medical Sciences in 2009. *Teb va Tazkieh*, 2009; 20 (3, 4):45-57. (Persian)
- 3. Gleichgerrcht E, Decety J. the relationship between different facet of empathy, pain perception and compassion fatigue among physicians, *Frontiers in behavioral neuroscience*, 2014; 243. 1-9.
- 4. Brugel S, Postma M, Tates K. the link between perception of clinical empathy and nonverbal behavior: the effect of a doctor's gaze body orientation, *Patient education and counseling*, 2015; 98. 1260-65.
- 5. Allison, B. N., & Schultz, J. B. (2004). Parent-adolescent conflict in early adolescence. *Adolescence*, 39, 101-119. Retreived from <http://go.galegroup.com>
- Coley, R. L., Votruba-Drzal, E., & Schindler, H. S. (2009). Father, and mothers parenting predicting and responding to adolescent sexual risk behaviors. *Child Development*, 80 (3)808-827.
- deepshikha & bhanot, s. (2011). Role of family environment on socio-emotional adjustment of adolescent girls in rural areas of eastern uttar pradesh. *journal of psychology*, 2 (1), 53-56.
- Haris PHG. (2008). Patterns of absolute, differential and structural continuity in perceptions of nurturance in mother – daughter, mother-son, father–daughter and father-son dyads [Dissertation]. Iowa: Iowa State University;
- Okorodudu & Nwamaka, G. (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in delta central senatorial district. *Edo journal of Counselling*, (1), 58-86.
- Pellerone, M., Spinelloa, C., Sidoti, A., & Micciche, S. (2015). Identity, perception of parent-adolescent relation and adjustment in a group of university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 190, 459-464.
- Rakes, R.F. (1991). *Assertive behavior therapy: research and Training*. London and New York by Rutledge.